

مجوز ورود به دنیای کودکان

■ مریم فرقانی

معاون پایه اول دبستان پسرانه ناحیه یک



مریم فرقانی با مدرک کارشناسی روان شناسی، از سال ۱۳۸۵ در مدرسه های دولتی و غیردولتی به تدریس مشغول است. او از سال ۱۳۸۹ وارد مجتمع آموزشی جوادالائمه شد، که از این میان دو سال در پایه اول و دوازده سال در پیش دبستانی خدمت کرده و هم اکنون در سمت معاون پایه پیش دبستانی و پایه اول ابتدایی مشغول خدمت است.

وقتی صحبت از یادگیری به میان می آید، ذهن بیشتر ما به سرعت سراغ کلاس درس، کتاب، تمرین و تکرار می رود؛ اما حقیقت این است که دنیای کودک، با دنیای بزرگسال تفاوت زیادی دارد. کودک در جهانی سرشار از خیال، بازی، حرکت و احساس زندگی می کند. اگر بخواهیم او را در مسیر یادگیری همراهی کنیم، چاره ای نداریم جز اینکه وارد دنیای او شویم و چه پلی بهتر از «بازی» برای عبور از این مرز؟!

من با بیش از هجده سال سابقه تدریس در دوره های متفاوت آموزشی، به ویژه پایه پیش دبستانی و دوره اول ابتدایی، این حقیقت را با تمام وجود لمس کرده ام که یادگیری واقعی فقط در حال خوب و فضای امن اتفاق می افتد. این حال خوب از بازی می آید، از لبخند، از لمس شادی در لحظه های ساده یادگیری.

بازی؛ معجزه ای برای ورود به دنیای کودک

بازی فقط ابزاری جانبی برای سرگرمی کودک نیست، بلکه بازی، زبان کودک است؛ وسیله ای برای شناخت، رشد، تجربه، خلاقیت و در نهایت یادگیری. بازی ها این امکان را به کودک می دهند که مفاهیم پیچیده را با تجربه شخصی درک کند و در محیطی شاد، بدون اضطراب، مهارت های اساسی زندگی و یادگیری را بیاموزد.

بنابراین بازی ابزاری قابل برای یادگیری است، چه در مهارت هایی چون خواندن، نوشتن، ریاضی و علوم و چه در مهارت های فردی و اجتماعی.

یادگیری مهارت «خواندن» در دل بازی

سال ها تدریس در پایه های پیش دبستانی و اول ابتدایی به من آموخته است که دستیابی کودکان به مهارت خواندن، بدون اتصال به فعالیت های بازی گونه، خیلی زود به مقاومت و خستگی یا حتی ترس تبدیل می شود. طراحی بازی هایی ساده ولی هدفمند، کودک را به راحتی در مسیر یادگیری قرار خواهد داد.

در ادامه چند نمونه از این بازی ها را مثال می زنیم:

بازی با کارت های صدا دار: حروف الفبا را می توان با تصویرهایی از حیوانات و اشیاء همراه ساخت و با بچه ها بازی «پیدا کن صدای اولش چیه» راه انداخت.

بازی های نقش آفرینی: بچه ها نقش معلم، نویسنده یا فروشنده را بازی و در حین بازی، خواندن کلمات یا نوشتن برجسب ها را تمرین می کنند.

کتاب سازی کودکانه: بچه ها با کمک معلم داستان هایی کوتاه می سازند، آن ها را می نویسند و برایشان تصویر می کشند. این فعالیت عشق به نوشتن را در دلشان می کارد.

این ها نمونه هایی کوچک از دنیایی وسیع اند؛ دنیایی که در آن یادگیری نه فقط ممکن که شیرین و ماندگار می شود.

تبدیل نقش معلم از انتقال دهنده به تسهیلگر و همراه

اما همه چیز از بازی شروع نمی شود. پیش از آن، باید «حال خوب» در کلاس جاری شود. حال خوب معلم شرط اول این ماجراست. من، به عنوان معاون پایه های پیش دبستانی و اول ابتدایی، خودم را موظف می دانم که از معلمانم مراقبت کنم؛ فضایی امن، صمیمی و دلگرم کننده برای آن ها فراهم آورم تا با قلبی آرام وارد کلاس شوند.

ما نمی توانیم از معلمی که خودش مضطرب، خسته یا دل نگران است، بخواهیم کلاس شادی برای بچه ها بسازد. بنابراین، حمایت عاطفی و روانی از معلمان، بخشی از فرایند یاددهی یادگیری است. معلمی که حس ارزشمندی، آرامش و حمایت را تجربه می کند، به راحتی می تواند این حال خوب را به کلاس درس ببرد.

تجربه ای که از دل آن یاد گرفتیم

در یکی از کلاس هایم، دختری داشتم که اصلاً حاضر نبود بلند بخواند. با روش های سنتی هیچ پیشرفتی حاصل نشد. تصمیم گرفتم بازی «مجری کوچولو» را اجرا کنم. هر روز یکی از بچه ها نقش مجری تلویزیون را اجرا می کرد. مجری باید با صدای بلند جمله ای را برای بقیه می خواند. همان دختر کم حرف چند روز بعد با لبخند گفت: «می خوام امروز من مجری باشم!» و آن روز، او اولین جمله اش را خواند. یادگیری در آن لحظه اتفاق افتاد، نه با اجبار، بلکه با انگیزه ای درونی و حس شیرین دیده شدن.

پیشنهاد برای همراهان آموزشی

به همکاران عزیزم پیشنهاد می کنم به بازی، نه به عنوان زنگ تفریح، بلکه به عنوان ابزاری اصلی در فرایند یادگیری نگاه کنند. گاهی حتی تغییری کوچک در ارائه محتوا، مثل تبدیل تمرین به بازی، می تواند کلاس را از سکوت و بی انگیزگی به شور و تعامل برساند.

از مدیران و معاونان آموزشی هم می خواهم بیش از پیش بر حال خوب معلمان تمرکز کنند؛ با گفت و گو، با گوش شنوا و با احترام به تفاوت ها. فضای یادگیری از دل تیمی ساخته می شود که هر عضو آن احساس امنیت و ارزشمندی کند.

در پایان باید بگویم یادگیری مسیری شیرین و پرماجراست، اگر آن را با ابزارهایی مثل بازی و خلاقیت هموار کنیم. ما معلمان همراهان کودک در این مسیر هستیم؛ پس بیایید با حال خوب خود، حال خوب را

به کلاس ببریم. ■

